



جستاری در تعریف‌ها و برداشت‌های صاحب‌نظران از مفهوم تربیت

دینی^۱

زهرا وقاری زمهریر - مقصود امین خندقی (مسئول مکاتبات) - محمود سعیدی رضوانی - مرضیه موحدی
محصل طوسی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۴- استادیار جامعه المصطفی العالمیه مشهد

Zahra.curriculum.student@gmail.com

aminkhandaghi@um.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی، بحث و بررسی و دسته‌بندی پیرامون تعریف‌های تربیت دینی از دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم تربیت است. مبحث تربیت دینی از دیرباز یکی از حوزه‌های مهم در تربیت بوده است؛ از این رو، در طی سالیان متمادی، پژوهشگران گوناگون به بحث و بررسی و مفهوم‌پردازی و ارائه تعریف در این زمینه پرداخته‌اند. مقاله حاضر در راستای آشنایی با مفاهیم و تعریف‌های متنوع و گسترده تربیت دینی، آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده است. به منظور تحلیل ادبیات انجام شده از مطالعه اسناد کتابخانه‌ای از روش تحلیل اسنادی استفاده گردید. طبقه‌بندی و تحلیل انجام شده روی تعریف‌های ارائه شده نشان داد صاحب‌نظران قلمرو تعلیم و تربیت هر یک به فراخور برداشت و ذهنیت‌های خود از تربیت و دین، تعریف‌ها و توضیح‌هایی را ارائه داده‌اند که نوعی مفهوم تربیت دینی از آنها مستفاد می‌شود. از این رو می‌توان، این تعاریف را در قالب دو دسته کلی تعاریف صاحب‌نظران داخلی و تعاریف صاحب‌نظران خارجی قرار داد و از آن‌جا که نوع نگاه این دو گروه به مقوله تربیت دینی متفاوت است از تعاریف ارائه شده در این دو دسته نیز دسته‌بندی دیگری شکل گرفت. لذا تعاریف ارائه شده توسط صاحب‌نظران داخلی در دو دسته تربیت برای دین و تربیت از طریق دین و صاحب‌نظران خارجی در دو دسته تربیت از طریق آشناسازی برای دین و تربیت دینی قرار داده شد.

کلمات کلیدی: تربیت دینی، تربیت برای دین، تربیت از طریق دین، تربیت برای آشنایی با دین

مقدمه

تاکنون تعاریف متعددی از تربیت دینی توسط صاحب‌نظران مختلف ارائه شده است. کثرت تعاریف، به هیچ وجه معنی امتناع معرفت و عدم حصول نتیجه از مرور و مطالعه‌ی آرای مختلف نیست، بلکه عدم اشراف و تسلط بر آنهاست که موجب آشفتگی در حوزه تربیت دینی می‌گردد. راه‌حل نیز نه در پاک کردن صورت مسأله و انصراف از آن، که در سامان‌دهی و عبور منطقی از آن است. لذا دسته‌بندی

^۱ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد و مورد حمایت پژوهشگاه مطالعات اسلامی این دانشگاه می‌باشد.



تعاریف، راه کاری است مفید که ضمن فراهم آوردن شرایط برون رفت از سرگردانی ناشی از تعدد، زمینه و چارچوب مناسبی برای نقد و تکمیل آن‌ها، در اختیار می‌گذارد تا تطابق هرچه بیشتری با مصادیق عینی تربیت دینی داشته و با مؤیدات بیشتری از سوی متخصصان تعلیم و تربیت همراه گردد.

زارعان (۱۳۷۹) تعاریف تربیت دینی را در سه دسته قرار داد. براین اساس گاه از تربیت دینی، تربیت دینی به معنی الاعم اراده می‌شود. این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و می‌توان آن را با «تربیت اسلامی» مترادف دانست. مراد این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به گونه‌ای آموزش ببیند و تربیت شود که بالمآل شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات همگونی داشته باشد و نهایتاً آن گونه شود که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد. بنابراین تعریف، فردی از این جهت تربیت یافته تلقی می‌شود که از هر حیث به فرامین الهی نزدیک باشد، که نمونه اول و تام آن وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در مرکزیت دایره می‌باشد و تربیت دینی یا اسلامی دیگران براساس مراتب فاصله از ایشان تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد، بسیاری از نوشته های اسلامی موجود در باب تعلیم و تربیت که تحت عناوینی همچون «تعلیم و تربیت در اسلام»، «تعلیم و تربیت اسلامی» و «اسلام و تعلیم و تربیت» انجام گرفته است، همین اصطلاح را دنبال نموده است و لذا نباید از آن‌ها این انتظار را داشت که به طور خاص به بحث پیرامون تعلیم و تربیت دینی پرداخته و مشکلات و مسائل خاص آن را بررسی نمایند.

تربیت دینی اصطلاح دقیق تری نیز دارد که از آن به تربیت دینی به معنی الاخص یاد می‌شود. در این اصطلاح در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه می‌شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی ابعادی همچون بعد اخلاقی از بحث خارج می‌شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی، تربیت ایمانی یا معنوی نامیده می‌شود. براساس این تعریف خاص، دیگر نمی‌توان در تبیین تربیت دینی منابع اخلاقی را اصل قرار داد و می‌توان مسائل تربیت دینی را از مسائل تربیت اخلاقی جدا نمود و برای هر کدام باب مستقلی باز کرد. مراد از این نوع آموزش و پرورش این است که شرائطی برای فرد مورد تربیت ایجاد شود تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان براساس آنچه «خود» می‌یابد و فطرت او اقتضا می‌کند، رشد نماید و آنچه را که لازمه پیمودن این مسیر است فرا گیرد. به دیگر سخن، همچنان که این معنا از تربیت دینی را تربیت ایمانی نامیدیم، مراد این است که شرایطی برای مرتبی فراهم آید تا ایمان او تقویت شود و جایگاه خود را در کل مجموعه هستی باز یابد (زارعان، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۲).

پژوهش حاضر با توجه به تفاوت موجود در نگاه صاحب نظران داخلی و خارجی به دین و تربیت و هم چنین مبانی آن از جمله نوع نگاه به هستی و انسان، به ارائه طبقه بندی دیگری از تعاریف پرداخته است. طبق بررسی صورت گرفته در بیشتر موارد اندیشمندان غربی نگاه انسان مدارانه و اومانستی داشته و انسان را محور و مدار کاینات و کانون توجه همه‌ی مکاتب و برنامه‌های زمینی و آسمانی قرار داده‌اند. درحالی که در نگاه صاحب نظران مسلمان، خداوند کانون توجه می‌باشد و تربیت در نهایت برای ربوبی شدن انسان و تن زدن به ربوبیت خدا است (علوی، ۱۳۸۸). با توجه به این نوع نگاه پژوهشگر ابتدا صاحب نظران حوزه تربیت دینی به دو گروه مسلمان (داخلی) و غیر مسلمان (خارجی) تقسیم و سپس با توجه به این که در داخل هر یک از این دو گروه نیز دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به مسأله‌ی تربیت دینی وجود دارد، هر گروه به دو زیرگروه تقسیم و تعاریف تربیت دینی به تناسب زیرگروه‌ها ارائه شد.

۱- تربیت دینی از منظر صاحب نظران مسلمان:

تعاریف صاحب نظران داخلی را می‌توان در دو دسته، «تربیت از طریق دین» و «تربیت برای دین» قرار داد.

۱-۱ - **تربیت از طریق دین (عام):** تربیت دینی در این معنا، تربیتی منسوب به دین است. یعنی تربیتی که در راستای دین است و محتوای خود را از دین الهام می‌گیرد؛ در مقابل تربیتی که محتوای خود را از غیر دین مثلاً از تجربه و عقل و علم بشری الهام می‌گیرد. به عبارتی تربیت دینی در این معنا عبارت است از: تربیت براساس دین و معیارهای دینی یعنی در چهارچوب و منطبق با این ضوابط (اعم از تربیت بدنی، سیاسی، علمی، هنری و ...). در این تعریف تربیت، ابعاد مختلف شخصیت فرد در راستای دین رشد می‌کند.

در این بخش تعاریف متناسب با این معنای تربیت دینی اشاره می‌شود.



بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی مفهوم تربیت همان تربیت دینی است و معلمان و اولیا مؤظفند در آغاز، قرآن، سنن و وظایف دینی را به کودک بیاموزند و آن‌ها را برای ادای دستورات دینی مواظبت نمایند (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹). ابن سحنون نیز هدف تعلیم و تربیت را یادگیری قرآن و آشنا شدن با آن می‌دانست چراکه با فراگیری قرآن می‌توان از قوانین الهی در زندگی دنیوی استفاده نمود و با بهره‌مندی از رحمت خاص الهی راه ترقی و کمال را پیدا کرد. هم‌چنین با کمک قرآن و تعلیم آن مربی و متربی می‌توانند از نردبان کمال برای رسیدن به هدف نهایی صعود کنند، در نتیجه مربی باید آیاتی از قرآن را که برنامه درسی و سنن پیامبر است به فراگیر بیاموزد. از وظایف اصلی معلم این است که: اعراب قرآن، هجاء، وقف، ترتیل و قرائت نیکو - بر اساس قرائت نافع - و زیبا نوشتن قرآن را به کودکان آموزش دهد تا آنان به گونه بهترین قرآن را فرا گیرند. قابسی هدف تعلیم و تربیت را شناخت دین و عمل بر اساس آن دانسته و معتقد بود مهم‌ترین مواد آموزشی قرآن و حفظ آن است و هدف تربیت دینی در بعد اعتقادی، ایمان یعنی باور قلبی به خدا، انبیا، ملائکه و آخرت بود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷). ابن مسکویه نیز تربیت را داری اهداف متعدد دانسته و تربیت دینی را یکی از اهداف تربیت می‌داند. از نظر وی در سایه عبادات و انجام دستورات دین، جسم و روح پرورش یافته و ارتباط فرد با سایر افراد اجتماع سازمان می‌یابد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹). تربیت اسلامی عبارت است از مجموعه اصول و مبانی نظری و روش‌های کاربردی تربیتی که از قرآن، سنت و نظرات فقها، فلاسفه و متفکران مسلمان گرفته شده باشد (الخطیب، ۱۹۹۵، نقل از فهیمی، ۱۳۸۸: ۵).

۱-۲- تربیت برای دین (خاص): تربیت برای دین، تربیتی در خدمت اهداف ویژه دین و مجموعه فعالیت‌ها و تدابیر تربیتی است که با هدف زمینه‌سازی برای دین‌داری آگاهانه و انتخابی متربیان یعنی به‌منظور پرورش بینش و ایمان متربیان به عقاید دینی و تبیین ارزش‌ها (احکام و هنجارها) و تعهد و التزام به ارزش‌ها و اعمال دینی صورت پذیرد. این نوع تربیت دینی با تربیت اخلاقی متداخل است. در ادامه برخی از تعاریف متناسب با این معنای تربیت دینی از نظر می‌گذرد.

علامه طباطبایی معتقد است، تربیت دینی شکوفا کردن استعدادهای فطری آدمی به‌منظور تحقق اهداف غایی انسان در پرتو قرآن و سنت یا به‌عبارت دیگر راه و روشی است که فرجام آن تحقق اهداف غایی زندگی است که دین آن را برای انسان ترسیم کرده است (قاسم‌پور، ۱۳۹۰). در نزد فارابی تربیت اهداف متفاوتی دارد که از آن جمله تربیت اخلاقی است. از آن‌جا که هدف غایی تربیت در نزد وی رساندن انسان به خداست و این هدف در سایه‌ی تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد و به این دلیل که هدف تربیت دینی نیز در نهایت رسیدن به خدا است می‌توان گفت تربیت اخلاقی فارابی معادل با تربیت دینی در این معنا است (میرزا محمدی، ۱۳۸۱).

مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) بیان می‌کنند که هدف کلی تربیت دینی عبارت است از: برخورداری از بصیرت دینی و دین‌آگاهی، دین‌باوری و ایمان دینی یا التزام درونی، کوشش در جهت تنظیم رفتار و عادات بر اساس موازین دینی و احساس رضایت از آن. تربیت دینی، مجموعه اقداماتی و تدابیر سنجیده و منظم تربیتی به‌منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متربیان به باورها، هنجارها، ارزش‌ها، احکام و اعمال و مناسک دینی است (صادق‌زاده، ۱۳۸۰). از دید کریمی، تربیت دینی فراهم کردن فرصت‌های طبیعی و درون‌یاب است تا فرد با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه تعالی بخش دین را کشف نماید (کریمی، ۱۳۸۰). تربیت دینی عبارت است از: فرایند یاری رساندن به متربی برای ایجاد تغییرات تدریجی در خصوص بعد دین‌داری وی که به‌وسیله عامل انسانی دیگر به‌منظور دستیابی او به کمال دینداری و شکوفا کردن استعدادها یا بازدارندگی اصلاح صفات و رفتار دینی وی صورت می‌گیرد (اعرافی و حسین‌پناه، ۱۳۹۳). تربیت دینی از دید دکتر شاملی عبارت است از این که برای متربی امکاناتی فراهم کنیم، آگاهی و اطلاعاتی به او بدهیم که با پای خود در مسیر شکوفایی دینی جلو برود. باقری (۱۳۹۲) تربیت دینی به‌خصوص با محوریت اسلام عبارت است از شناخت خدا به عنوان یگانه رب انسان و برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر. داوودی (۱۳۸۸) تربیت دینی را به‌معنای فعالیت‌های نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ی نهادهای آموزشی جامعه به‌منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد، به‌گونه‌ای که در عمل نیز به آن‌ها پای‌بند باشند، تعریف می‌کند. تربیت دینی، مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا گردند (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹).

تربیت دینی به‌معنای عام از لوازم تربیت دینی به معنای خاص است. در تربیت دینی به معنای عام، محتوای تربیت از دین استخراج شده و هدف از آن آموزش مواردی است که در دین مورد تأکید است. به عبارت دیگر این نوع از تربیت دینی به دنبال دین‌دان نمودن متربیان است. در حال که تربیت در معنای خاص، به دنبال شکوفایی استعداد متربیان در تمام ابعاد وجودی و پرورش بینش و ایمان آگاهانه و



انتخابی در متری است. همان طور که ملاحظه می شود بیشتر تعاریف ارایه شده توسط صاحب نظران داخلی با تربیت دینی به معنای خاص تناسب دارد.

۲- تربیت دینی از منظر صاحب نظران غیر مسلمان

دیویز و فرنسیز^۱ (۲۰۰۷) با توجه به اهداف قابل پیگیری در تربیت دینی دسته بندی سه گانه ای از تربیت دینی ارایه داده اند (باغلی، ۱۳۹۲) این سه رویکرد به شرح زیر می باشد:

۱- دین دار سازی: این نوع تربیت به دنبال پرورش فراگیران به منظور دینی شدن^۲ است.

۲- تعالی معنوی و آگاهی بخشی: در این تربیت هدف توسعه ی رشد معنوی افراد و آگاهی بخشی دینی^۳ به آن ها است.

۳- آشناسازی با ادیان: دانش افزایی افراد درباره ادیان موجود در جهان^۴ در این نوع تربیت دینی مدنظر می باشد.

در این پژوهش با توجه به تعاریف ارایه شده، تربیت دینی در دو دسته، تربیت برای آشنایی با دین^۵ و تربیت دینی^۶ (یادگیری از طریق دین) تقسیم شد.

۲-۱- تربیت برای آشنایی با دین: براساس این دسته تعاریف، در جریان تربیت نمی توان بدون در نظر گرفتن جنبه های عقلانی انسان محتوای تربیتی با بار ارزشی از پیش تأیید شده ای را به متری منتقل نمود، بلکه باید این آزادی را به متری داد که در پی تحلیل های عقلانی خود بین آنچه دیگران ارزش تلقی می کنند دست به انتخاب بزند (هرست^۷ به نقل از باقری، ۱۳۸۰ الف). بنابراین اساس در جریان تربیت، آشناسازی متری با باورها و اعمال مطرح در نگرش های دینی است. هدف از این اقدام زمینه سازی برای آشنایی متریان و در صورت لزوم انتخاب یکی از دستگاه های باور دینی و یا حتی غیردینی برای پیشبرد زندگی خود می باشد. پل هرست مدعی است که وظیفه تربیت دینی این است که دانش آموزان را قادر سازد تا ادیان را از درون آن ها یعنی به شیوه ای که دین داران با آن جهان را مشاهده کرده اند، درک کنند. گرمیت تربیت دینی را تلاشی می دید که، در فراگیر توانایی خاصی ایجاد می کند تا درباره دین به عنوان شیوه انحصاری تفکر و آگاهی بیندیشد. نقطه آغاز تربیت دینی، تجربیات وجودی خود فراگیران است. توماس، تربیت دینی را متقاعد کردن فراگیران نسبت به این که دین خاصی یگانه دین صحیح است و تعلیم و تربیت فراگیران در قالب رویه های آن دین خاص می داند. آگوستین تربیت را پرورش افرادی می داند که براساس ضوابط و معیارهای دیانت شایسته عنوان مؤمن و متقی باشند. در نظر وی فرد تربیت شده کسی است که در باطن او میان عقل و ایمان هماهنگی باشد (الیاس، ۱۳۸۲). پیترز^۸ می گوید: اگر در تربیت دینی فقط به برخی عقاید و رفتار عاداتی تکیه کنیم بدون این که این رفتار و عقاید پشتوانه عقلی داشته باشد و چشم انداز شناختی در آنان ایجاد شده باشد، نمی توانیم آن را تربیت دینی بنامیم. تربیت دینی باید در فرد تغییر نگرش ایجاد کند و نگرش او را نسبت به خودش، هستی، هدف نهایی و وفاداری طبیعت تغییر دهد و این تغییر نگرش به رفتارهای او جهت دهد^۹ "براین اساس تربیت دینی تنها با دانستن دین و آموزه های دینی برابر نیست بلکه تنها وقتی آموزه های دین سبب تغییر نگرش شود و چشم انداز شناختی در فرد ایجاد کند تربیت دینی نام می گیرد (کار^۹، ۱۹۸۳).

۲-۲- تربیت دینی: در این معنا تربیت دینی با تربیت اخلاقی قابل جمع است. تربیت دینی آموزش برنامه ریزی شده و منظم است که هدف آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی، زندگی و ارتباط انسان با پروردگار و دیگر انسان هایی است که در جامعه با آن ها زندگی می کنند و بلکه ارتباط با آحاد بشر است. بنابراین در این تعریف توجه به ابعاد اجتماعی نیز اهمیت دارد.

1. Davies & Francis

2. To nurture pupils into religious faith

3. To promote pupils spiritual development and awareness

4. To teach pupils about world religions

5. Education about Religious

6. Education of Religious

7. Hirst

8. Piters

9. Carr



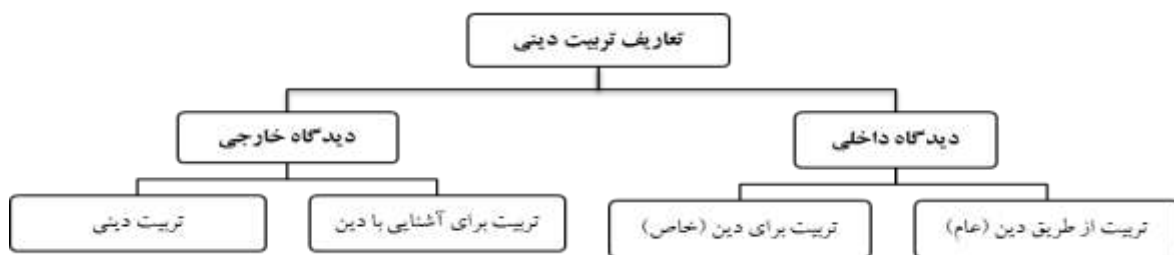
کنگره بین المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

The International Congress of the Humanities and Cultural Studies

از دید کرکگور سه ساحت در زندگی وجود دارد، ساحت آخر از نظر وی ساحت دینی است. در این ساحت فرد نه تابع لذت است نه تابع قواعد اخلاق بلکه تابع اوامر و نواهی الهی است. هدف تربیت دینی از دید کرکگور رشد معنویت در انسان است و برای رسیدن به این هدف بر شهود و شور عشق و جنبه انفسی بودن تأکید دارد (خالق خواه، ۱۳۹۱). افلاطون در تربیت، اهداف مختلفی را مد نظر قرار داده است. سومین هدف تربیت از دید وی تربیت اخلاقی است. افلاطون هدف غایی تربیت را تربیت معنوی دانسته و راه تحقق آن را تربیت اخلاقی می‌داند (سلحشوری، ۱۳۹۰). در واقع معنای تربیت برای افلاطون با تربیت اخلاقی و رو کردن انسان به سوی امور ارزشمند معنا پیدا می‌کند و رسیدن به فضایل اخلاقی تنها از راه تربیت و کسب شناخت درست ممکن می‌گردد (میرزامحمدی، ۱۳۸۱). کانت تربیت را دارای سه مرحله می‌داند که برترین و بلندمرتبه‌ترین مرحله آن تربیت اخلاقی است (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹)، که باید مقدمه تربیت دینی و بنیان‌گذار آن باشد. در واقع عدم احساس نیاز به تربیت دینی در سنین کودکی باعث شد کانت جایگاه مستقلی برای تربیت دینی در نظر نگیرد (مشایخی راد، ۱۳۷۹) از نظر وی تربیت اخلاقی از دو منظر قابل بررسی است. از منظر کلی تربیت اخلاقی عبارت است تکوین خوی و منش = استعداد عمل کردن طبق اصول. تربیت دینی به معنای تعادل روح است. طبق اصول نظری رابطه روح با حقایق عالیه دینی باید نتیجه توسعه طولانی عقل و قوه قضاوت باشد که از نظم و زیبایی موجود در اشیا طبیعی تا درک جهان به‌عنوان یک نظام و تا تصور خدا به‌عنوان قانون‌گذار اعتلا حاصل کند؛ آن‌گاه تربیت دینی با انطباق بر شکوفایی عقل علامت پایان فرایند تعلیم و تربیت است. در مقام دوم کانت معتقد است مفاهیم دینی مبتنی بر اخلاق باشد. وی امیدوار است کودک مبنای دین را خود پیدا کند (کانت، ۱۳۷۲).

به‌طور کلی می‌توان گفت دو گرایش راجع به تربیت دینی در غرب جریان دارد. براساس یکی از این دو گرایش، تربیت دینی یکی از لوازم تربیت اخلاقی و پیش شرط آن است و همان‌طور که تربیت اخلاقی از تعلیم و تربیت به‌معنی وسیع کلمه جدایی‌ناپذیر است، تربیت دینی نیز جزئی تفکیک‌ناپذیر از تربیت افراد است و مسئولیت آن باید به عهده مدرسه به‌عنوان نهادی اجتماعی باشد. درحالی‌که براساس گرایش دوم، تربیت دینی ضروری است، اما چون فرد در انتخاب دین باید مانند بینش‌های دیگر خود آزاد باشد، برای احتراز از اختلاف نظر و درگیری‌های احتمالی، بهتر است این کار در خارج از مدرسه و به‌وسیله نهادهای خاص صورت گیرد (کاردان، ۱۳۷۹).

همان‌گونه که مشاهده شد، تربیت اسلامی، شکوفاسازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جنبه‌های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است. این شکوفاسازی با موازین و ضوابط الهی میسر است و مجموعاً می‌توان گفت انسان تربیت شده در تمامی ابعاد پیشین هدایت یافته و تربیت شده است و این‌گونه نیست که فقط در یک جنبه مستقل به‌نام دین تربیت شده باشد. درحالی‌که تربیت مسیحی منحصر به آماده کردن انسان برای حیات در عالم دیگر است، اما نسبت به زندگی در دنیا در آیین مسیحیت هیچ اشاره‌ای نشده و کم‌ترین مطلبی که ارتباط با تربیت دنیایی داشته باشد در این دیانت دیده نمی‌شود. اما اسلام، تمام توانایی‌ها و امکانات خود را به‌صورتی مثبت و سازنده در راه تربیت صحیح هدف‌دار به‌منظور باروری استعداد و درک انسانی به‌کار برده است. تربیت اسلامی مانند تربیت مسیحی و یهودی نبود که فقط به عالم آخرت پردازد و نیز مانند تربیت رومیان نبود که صرفاً به امر دنیا اهتمام ورزد، بلکه تربیت اسلامی هم به امر دین و هم به امر دنیا پرداخته و هدفش اصلاح زندگی در هر دو عالم است. تربیت اسلامی همه‌ی طبقات و گروه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. در حالی‌که بعضاً فلاسفه‌ای چون افلاطون و کرکگور تربیت به‌خصوص نوع دینی آن را متعلق به طبقه خاصی از افراد می‌دانستند (علوی، ۱۳۸۸).



شکل ۱- طبقه‌بندی تعاریف تربیت دینی



نتیجه گیری

چنان که بیان شد، در این مقاله به مفهوم تربیت دینی، بحث و بررسی و دسته‌بندی پیرامون تعریف‌های این حوزه در آثار و آرای اندیشمندان و صاحب‌نظران پرداخته شد. دیدگاه‌های متنوع صاحب‌نظران، ناشی از تفاوت در نوع جهان بینی و برداشت و ذهنیت‌های متفاوت آنها از انسان، تربیت و نقش دین در تربیت نشأت گرفته است. بطور کلی براساس تعاریف یاد شده می‌توان گفت تربیت اسلامی، شکوفاسازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جنبه‌های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی را مدنظر دارد از منظر اندیشمندان مسلمان تربیت دینی باید از بدو تولد یا حتی پیش از آن انجام گیرد و تمام ارکان جامعه از جمله خانواده و مدرسه در امر تربیت دینی افراد دخیل هستند. درحالی که تربیت از منظر صاحب‌نظران سایر ادیان منحصر به آماده کردن انسان برای حیات در عالم دیگر است و نسبت به زندگی در دنیا در آن هیچ اشاره‌ای نشده و کم‌ترین مطلبی که ارتباط با تربیت دنیایی داشته باشد در این دیانت دیده نمی‌شود. بعضا اندیشمندانی چون کانت تربیت دینی کودک را غیر ضروری می‌دانند و گاهی مسئولیت آن را صرفاً به عمده مدرسه و گاه بر عهده خانواده می‌گذارند.

منابع

- ۱- اعرافی، علی‌رضا و حسین‌پناه، علی، "نقش نخبگان دینی در تربیت دینی"، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۱، ۲۵-۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- ۲- باغکلی، حسین، مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر: مقایسه رویکردهای دینی و نوپدید در عرصه تربیت، رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۹۲.
- ۳- باقری، خسرو، الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا)، ۱۳۹۲.
- ۴- باقری، خسرو، چستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست)، تهران، مرکز مطالعات تربیت اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۵- بهشتی، سعید و نیکویی، روشنک، "کاوش‌هایی در باب فلسفه ی تربیت دینی از دیدگاه اسلام"، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۸، ۱۵۲-۱۷۸، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، پاییز ۱۳۸۹.
- ۶- بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی‌نقی، آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد دوم، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- ۷- داوودی، محمد، "تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک"، در کتاب همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر (مقالات برگزیده)، تألیف جمعی از نویسندگان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۴۷-۲۹، ۱۳۸۸.
- ۸- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، آرای اندیشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد اول، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- ۹- زارغان، محمدجواد، "تربیت دینی - تربیت لیبرال"، فصلنامه معرفت، شماره ۳۳، ۸-۱۵، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹.
- ۱۰- صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا، "راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوته نقد"، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۶، ۲۱۱-۲۴۰، ۱۳۸۰.



- ۱۱- علوی، حمیدرضا، "بررسی تطبیقی تربیت دینی در اسلام و مسیحیت"، دو فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۲، ۶۱-۸۴، ۱۳۸۸.
- ۱۲- فهیمی، محمد ظاهر، روش عادی در تربیت دینی از منظر آموزه های اسلامی (۱)، جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (رحمه الله). ۱۳۸۸
- ۱۳- قاسم پور، محسن، "جایگاه عقل در تربیت دینی از دیدگاه علامه طباطبائی"، مجله پژوهش دینی، شماره ۲۲، ۶۵-۹۰، ۱۳۹۰.
- ۱۴- کاردان، علی محمد، "گزارش یک نشست: سیر تحول تربیت دینی در غرب"، فصلنامه پژوهش های تربیت اسلامی، شماره ۳، ۱۵۷-۱۶۸، ۱۳۷۹.
- ۱۵- کانت، امانوئل، تعلیم و تربیت (اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش)، ترجمه غلام حسین شکوهی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۶- کریمی، عبدالعظیم، "دین‌دهی یا دین‌یابی"، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، شماره ۶، ۶۲-۷۱، ۱۳۸۰.
- ۱۷- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین، "تربیت دینی از دیدگاه کانت"، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۳۳، ۹۳-۱۱۸، ۱۳۷۹.
- ۱۸- مهر محمدی، محمود و صمدی، پروین، "بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان دوره متوسطه"، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال دوم، شماره ۳، ۹-۳۴، ۱۳۸۲.
- ۱۹- میرزا محمدی، محمد حسن، "بررسی مقایسه ای اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه افلاطون و فارابی"، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، شماره ۲، ۲۰۳-۲۲۷، ۱۳۸۱.
- ۲۰- الیاس، جان، فلسفه تعلیم و تربیت (قدیم و معاصر)، ترجمه عبدالرضا ضرابی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۳.
- 21- Carr. David, "three approaches to moral Education", Educatio, philosophy, and theory, vol 15, 39-51, 1983.